

تبیین جایگاه اصول راهنمای فهم معمار بومی از مسئله طراحی معماری (مطالعه موردی: روستای سراج محله)

مریم نوری*, شادی عزیزی**, محمدرضا نصیر سلامی***

1397/01/03

تاریخ دریافت مقاله:

1397/05/29

تاریخ پذیرش مقاله:

چکیده

یکی از شاخه‌های دانش در حوزه معماری، طراحی پژوهی است که به مطالعه فرایند طراحی می‌پردازد. پژوهشگران این حوزه مفاهیم مختلفی برای توضیح فرایندهای ذهنی طراح به کار گرفته‌اند که یکی از آنها اصول راهنمای است. اصول راهنمای اصولی است که طراح به آنها باور دارد و از آنها در قاب‌بندی و فهم اولویت‌های مسئله طراحی بھر می‌گیرد. این اصول که متنکی به جهان‌بینی طراحی شکل می‌گیرند موجب نوعی وحدت رویه در قبال برخورد با مسئله‌های گوناگون طراحی می‌شوند. بخش عمده‌ای از پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه فرایند طراحی و نقش اصول راهنمای در آن، معطوف به معماران و دانشجویانی بوده که در محیط‌های شهری آموزش دیده و با مسئله‌های طراحی در شهر نیز مواجه بوده‌اند. این در حالی است که معماری بومی در محیط‌های روستایی مختصاتی کاملاً متفاوت دارد و شیوه‌های تولید معماری در آن واجد درون‌مایه‌های ارزشمندی است که می‌تواند مورد استخراج و مطالعه قرار بگیرد. از این‌رو پرسش اصلی این پژوهش این است که اصول راهنمای در فرایند طراحی یک معمار بومی چه نقشی ایفا می‌کنند و چه محتوایی دارند؟ برای پاسخ به این پرسش، روستای سراج محله به عنوان نمونه‌ای که در کنار بافت کالبدی، همچنان دارای بافت اجتماعی بومی نیز هست انتخاب شد و سپس پنج نفر از معماران بومی منطقه شناسایی شدند. در ادامه به این معماران، سه مسئله طراحی با موضوع «خانه» ارائه شد و از آن‌ها خواسته شد درباره طراحی موردنظر خود سخن بگویند. این سخنان در قالب مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته ثبت و پیاده شد و سپس مورد تحلیل محتوای کیفی قرار گرفت. ساختار کلی این پژوهش، مبتنی بر روش کیفی است. روش تحقیق کیفی عموماً به تحقیقاتی اطلاق می‌شود که یافته‌های آن از طریق فرایندهای آماری و با مقاصد کمی سازی به دست نیامده باشد. براساس نتیجه این پژوهش، مفاهیم استخراج شده از این مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که هماهنگی با طبیعت، پرهیز از اسراف، رضایت بلندمدت کارفرما و کاربران و همچنین رعایت حقوق همسایگی از مهم‌ترین اصولی است که همواره در مواجهه با مسئله طراحی مدنظر معماران بومی قرار می‌گیرد.

کلمات کلیدی: فهم مسئله، طراحی معماری، اصول راهنمای، معمار بومی، روستا، سراج محله.

* دانشجوی دوره دکترای معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

** دکترا معماری، استادیار و عضو هیئت علمی دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

s.Azizi@iauctb.ac.ir

*** دکترا معماری، استادیار و عضو هیئت علمی دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران. این مقاله برگرفته از رساله دکترا معماری مریم نوری با عنوان «استعاره به مثابه روش آموزش طراحی معماری در راستای ارتقای فهم مؤثر مسئله» است که در گروه معماری دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، به راهنمایی سرکار خانم دکتر شادی عزیزی و مشاوره جناب آقای دکتر محمدرضا نصیر سلامی در حال انجام است.

مقدمه

مسائل را می‌توان به دو دسته مسائل «با انتهای بسته^۱ یا معین^۲» و «با انتهای باز^۳ یا نامعین^۴» تقسیم‌بندی کرد. مسائل معین مسائلی هستند که یک پاسخ روشن دارند و راه مشخصی را برای حل کردن آن‌ها می‌توان سراغ گرفت. این امر پیش از هر چیز ریشه در شفافیت و مرزهای روشن این مسائل دارد. این قبیل مسائل را می‌توان به‌وفور در ریاضیات ملاحظه کرد. اما سinx دوم، مسائلی است که مرزهای روشنی ندارند و صورت آن‌ها مبهم و لغزان است. به همین دلیل برای چنین مسائلی نمی‌توان یک پاسخ روشن و قطعی را در نظر گرفت. اگر طراحی معماری را نوعی حل مسئله تلقی نماییم، مسائلی که معماران با آن سروکار دارند نیز از جنس همین مسائل نامتعین است که به‌دلیل دشواری برخورد با آن‌ها معادلی همچون مسائل شرور^۵ نیز برایشان در نظر گرفته شده است. اصلی‌ترین کار در برخورد با مسائل نامتعین و شرور پیش از تلاش برای حل آن‌ها، فهم عمیق و به‌عبارتی باز تعریف آن‌ها است (Herbert, 1973:181-201) (Cross, 2006).

حقیقت اصلی ترین مسئله طراح در مواجهه با مسئله طراحی، خود چیستی مسئله^۶ است. طراح ابتدا باید مسئله را تعریف یا به‌عبارت دیگر باز تعریف کند و سپس آن را حل نماید.^۷ وقتی طراح با مسئله طراحی برخورد می‌کند برای خلق مجدد، مسئله را برای خود تفسیر می‌کند و سعی می‌کند تا ابعاد مهم آن را معین کند و به آن سروشکلی بدهد که جست‌وجوی پاسخ را به مسیری روشن تر هدایت نماید. این مسیر، مسیری خطی و تنها یکسویه نیست. بلکه بسیاری از اوقات طراح براساس تفسیر خاصی از مسئله جلو می‌رود و در خلال مسیر به این نتیجه می‌رسد که باید درباره فهم خودش از مسئله بازبینی انجام داده و سروشکل دیگری برای

مسئله قائل شود (Lawson, 2004). دونالد شون^۸ برای توضیح فرایند ذهنی طراح در باز تعریف و فهم چیستی مسئله اصطلاح «قابل‌بندی^۹» را به کار برده است. منظور شون از قابل‌بندی، شیوه فهم مسئله طراحی است. شایان ذکر است پروسه طراحی یک نظام دائماً تکرار شونده است. طراح در دل فرایند حل مسئله است که می‌تواند مسئله را بهتر بشناسد و تعریف درستی از آن ارائه دهد^{۱۰} (Schon:1985). هر طراح به‌نوعی واجد یک جهان‌بینی خاص است و مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها و نگرش‌ها را با خود حمل می‌کند که به آن «أصول راهنمای» می‌گوییم. اصول راهنمای در واقع به فهم مؤثر طراح از مسئله کمک می‌کند و تأثیر این اصول بر فرایند طراحی و فهم مؤثر مسئله بسیار قابل توجه است (لاوسون، 1387:189-191). اصول راهنمای اشاره به اصولی است که طراح به آن‌ها باور دارد و از آن‌ها در قابل‌بندی و فهم اولویت‌های مسئله طراحی بهره می‌گیرد. این اصول که متکی به جهان‌بینی طراحی شکل می‌گیرند، موجب نوعی وحدت رویه در قبال برخورد با مسئله‌های گوناگون طراحی می‌شوند.

بیان مسئله

با وجود محبوبیت یافتن مطالعات حوزه طراحی پژوهشی در ایران در سال‌های اخیر، مطالعات کمتری درباره شیوه مواجهه طراحان بومی با مسئله طراحی انجام شده است. اگرچه بخش زیادی از این فرایندها ممکن است لزوماً متفاوتی ماهوی با نمونه‌های غیربومی نداشته باشند اما اگر بپذیریم اهالی ساکن در روستاهای و به‌خصوص روستاهای کمتر دست‌خورده از جهان‌بینی و فهم متفاوتی نسبت به اهالی مناطق شهری برخوردارند، بدون شک یکی از مؤلفه‌های مهم فرایند طراحی که واجد محتويات بکر و متفاوتی می‌تواند باشد، "اصول راهنمای طراح" است. زندگی روستایی و نوع نگرش

بگویند. لذا در پژوهش آتی می‌توان تعمیم‌پذیری آن را در روستاهای و مصادیق دیگری نیز مورد بررسی قرارداد.

سؤالهای پژوهش

اصول راهنمای فرایند طراحی معمار بومی چه نقشی دارند و این اصول، چگونه به فهم معمار بومی از مسئله طراحی کمک می‌کنند؟ محتوای اصول راهنمای معمار بومی چیست و چه نسبتی به جهان‌بینی او دارد؟

روش‌شناسی پژوهش

ساختار کلی این پژوهش، مبتنی بر روش کیفی است. روش تحقیق کیفی عموماً به تحقیقاتی اطلاق می‌شود که یافته‌های آن از طریق فرایندهای آماری و با مقاصد کمی سازی به دست نیامده باشد. داده‌های این نوع تحقیق از طریق مشاهده، مصاحبه یا تعامل‌های شفاهی گردآوری شده و مرکز بر معانی و تفسیرهای مشارکت‌کنندگان در آن است (محمد پور، ۱۳۸۹: ۸۹). روش تحقیق این پژوهش از نوع کیفی است. پژوهش کیفی عبارت است از مجموعه فعالیت‌هایی همچون مشاهده، مصاحبه و شرکت گسترده در فعالیت‌های پژوهشی که هر کدام به نحوی محقق را در کسب اطلاعات دست اول درباره موضوع مورد تحقیق یاری می‌دهند. بدین ترتیب از اطلاعات جمع‌آوری شده، توصیف‌های تحلیلی، ادراکی و طبقه‌بندی شده حاصل می‌شود. در روش مورد بحث، دسترسی به اطلاعات یعنی زندگی کردن با مردم مورد پژوهش و یادگیری فرهنگ آن‌ها مانند مبانی ارزشی، عقیدتی و رفتاری، زبان و تلاش برای درک احساسی، انگیزش‌ها و هیجان‌های آن‌ها. محقق کیفی، رفتار اجتماعی را به این دلیل ادراک می‌کند که خود را به جای دیگران قرار می‌دهد (دلاور، ۱۳۷۴: ۲۵۵). ویژگی اصلی این تحقیق، انتخاب رویکرد استنتاجی

روستاییان به جهان و طبیعت، امکانات و دانش آنان برای ساخت و تولید و نیز شیوه‌های بهره‌وری باعث می‌شود تا اجزای محیط به مطلوب‌ترین شکل صورت بگیرد و در عین حال رعایت سادگی و برقراری رابطه منطقی و مکمل بین آن‌ها با حداقل کارایی باشد. سازمان فضایی کالبدی روستا که انعکاس ارزش‌های اجتماعی اقتصادی و کالبدی آن به شمار می‌رود، متأثر از این نحوه کارکرد شکل می‌گیرد (سرتیپی‌پور، ۱۳۸۴: ۴۴). مسکن بومی روستایی تصویری از بستر و زندگی روزمره روستایی است که در خدمت شیوه‌ای خاص از فعالیت‌های انسانی قرار دارد و ارتباط عمیقی با محیط داشته و به آن وابسته است (سرتیپی‌پور، ۱۳۹۰: ۸). بخش عمده‌ای از پژوهش‌های انجام شده در حوزه فرایند طراحی و نقش اصول راهنمای در آن، معطوف به معماران و دانشجویانی بوده است که در محیط‌های شهری آموزش دیده‌اند و با مسئله‌های طراحی در شهر نیز مواجه بوده‌اند. این در حالی است که معماری بومی در محیط‌های روستایی دارای مختصاتی به‌کل متفاوت است و شیوه‌های تولید معماری در آن واجد درون‌مایه‌های ارزشمندی است که می‌تواند مورد استخراج و مطالعه قرار بگیرد. از این‌رو پرسش اصلی این پژوهش این است که اصول راهنمای در فرایند طراحی یک معمار بومی مورد چه نقشی ایفا می‌کنند و چه محتوایی دارند؟

هدف پژوهش حاضر این است که "جایگاه اصول راهنمای در فهم معمار بومی از مسئله طراحی" را مورد بررسی قرار داده و محتویات آن را استخراج نماید. از آنجا که مسکن فضای بلافصل زندگی، معیشت و فهم مردم روستا از جهان اطرافشان است، با ارائه مسئله‌های طراحی پیرامون موضوع مسکن، از معماران بومی خواسته شد درباره چندوچون طراحی این پروژه‌ها سخن

یک واحد تحلیل بررسی شده است. بعد از انجام سه مصاحبه مشخص شد که مفاهیم اصلی در حال تکرار شدن است و این روند ادامه داشت به طوری که با ادامه مسیر و گفتگو با نفر پنجم، عملاً هیچ مضمون تازه‌ای که قابلیت کدگذاری جدیدی داشته باشد مشاهده نشد و به «ابیاع نظری» رسیدیم. در این روش نمونه‌گیری که خاص تحقیقات کیفی است، تعداد افراد مورد مصاحبه یا حجم نمونه به ابیاع نظری سوالات مورد بررسی بستگی دارد. به این ترتیب که هرگاه محقق به این نتیجه برسد که پاسخ‌های داده شده و یا مصاحبه‌های انجام شده با افراد مطلع، به اندازه‌ای به هم‌دیگر شباهت دارند که منجر به تکراری شدن پاسخ‌ها و یا مصاحبه‌ها شده و داده‌های جدیدی در آن‌ها وجود ندارد، تعداد مصاحبه‌ها را کافی دانسته و دست از مصاحبه می‌کشد (Strauss, Corbin, 1990).

اگرچه تفاوت‌هایی میان مفاهیم کدگذاری باز بین معماران قابل مشاهده بود اما پس از کدگذاری محوری مشخص شد که هر پنج معمار، به‌واسطه مفهوم‌های متفاوت، در چهار مقوله نهایی سهیم بوده‌اند. از آنجا که پرسش تحقیق، یافتن اصول راهنمای و محورهای اصلی آن بود و این مطالعه نیازمند کدگذاری انتخابی به‌قصد تولید نظریه نمی‌باشد لذا در پایان، با استخراج جداول و مدل‌های مفهومی از تحلیل‌های فوق، جایگاه اصول راهنمای در فهم معمار بومی از مسئله طراحی تبیین شد.

با توجه به اینکه در تحقیق کیفی به جای اعتبار از باورپذیری¹³ بهره گرفته می‌شود پس از اتمام مراحل کدگذاری محوری، چهار مقوله به‌دست آمده با معماران مورد مصاحبه در میان گذاشته شد تا از تأیید محتوای سخن توسط خود ایشان اطمینان حاصل گردد. همچنین نظر به کوچک بودن جوامع روستایی و اهداف و خصایص ذاتی روش‌های کیفی، مدعی تعمیم‌پذیری¹⁴

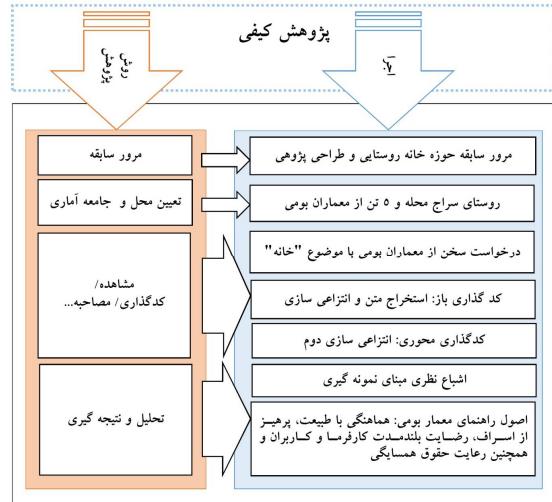
است (گروت، وانگ، 1388: 175). دلیل انتخاب این روش، محتوای مورد انتظار برای گردآوری و تحلیل بود. چرا که اصول راهنمای از جنس گزاره‌های ذهنی و تلویحی است و دسترسی به آن‌ها از طریق روش‌های کمی ممکن نبوده و نیازمند مصاحبه‌های عمیق و نیمه ساختار یافته است (نمودار شماره ۱). برای یافتن پاسخ سوال‌های پژوهش، ابتدا روستای سراج محله به عنوان نمونه‌ای که در کنار بافت کالبدی، همچنان دارای بافت اجتماعی بومی نیز هست انتخاب شد. در کل روستا هفت نفر معمار بومی وجود داشت و مابقی جوانانی بودند که تحصیلات دانشگاهی داشتند. از این هفت نفر، دو نفر حاضر به مصاحبه نشدند و کار با پنج نفر از معماران بومی منطقه انجام پذیرفت. به هر یک از این پنج نفر سه مسئله طراحی با موضوع «خانه» ارائه شد و از آن‌ها خواسته شد درباره طراحی موردنظر خود سخن بگویند. در ادامه بعد از مصاحبه با معماران بومی، گفته‌ها به صورت متن استخراج و پیاده شد و سپس مورد تحلیل محتوای کیفی قرار گرفت. داده‌های به‌دست آمده متنی در مرحله بعد، انتزاعی‌سازی شده و در قالب مفاهیم درآمد که «کدگذاری باز»¹¹ نام دارد و سپس در گام بعدی، با تجمعی مفاهیم مشابه در قالب مقوله‌های کلی‌تر که «کدگذاری محوری»¹² نامیده می‌شود، انتزاعی‌سازی دوم صورت گرفته است. در نهایت چهار مقوله به عنوان محتوای کلی سخن، استخراج شد. لازم به ذکر است که طبق اصول روش‌شناسی کیفی، کدگذاری و جمع آوری داده‌ها بر هم همپوشانی داشته است. واحد تحلیل محتوا در تحقیقات کیفی متفاوت است که در این پژوهش واحد تحلیل مضمون بوده است یعنی هر بخشی از مصاحبه که مضمونی از جنس اصول راهنمای داشته و چارچوب فهم معمار از ارزش‌ها و اولویت‌های مسئله را مورد اشاره قرار می‌داد به عنوان

شناسایی زمینه‌های هویت‌بخش معماری روستایی منطقه می‌پردازد) مورد توجه بوده است.

عنوان تحقیق	محقق اسال
مقاله سکونتگاه‌های روستایی و استفاده از زمین ^{۱۶}	چی شولم ^{۱۵} ۱۹۶۲ /
مقاله کیفیت مسکن روستایی در نیجریه: مطالعه موردنی در ایالت ای ام ^{۱۷}	اوگو ^{۱۸} ۱۹۹۴ /
مقاله برنامه‌ریزی مسکن روستایی جمهوری ایران: از استراتژی‌های فضایی ملی تا طرح‌های توسعه ^{۱۹}	گارتزیوس ^{۲۰} و دیگران/ ۲۰۰۹ /
مقاله ویژگی‌های مسکن در روستاهای روستایی ^{۲۱} : مورد شمال شرقی مورتنگرو	گوران و دیگران/ ۲۰۱۳ /
مقاله مقاهم در الگوهای معماری مسکن روستایی ^{۲۲} (مطالعه موردنی: روستاهای رضوی خراسان)	مظفر و دیگران/ ۲۰۱۶ /
مقاله شرایط مسکن روستایی در نیجریه ^{۲۳} : شواهد تجزیی از وضعیت کنونی	اووده ^{۲۴} ۲۰۱۶ /
مقاله شاخص‌های معماری مسکن روستایی در ایران	محسن سرتیپی پور / ۱۳۸۴ /
مقاله جایگاه مسکن روستایی در تأثیرپذیری تغییرات کالدی-فضایی روستاهای از محیط‌های شهری	۱۳۸۷ / علی شمس‌الدینی
مقاله بررسی تحول معماری مسکن روستایی و تدوین الگوی بهینه مطالعه موردنی: شهرستان آق قلا	مرتضی توکلی و دیگران/ ۱۳۸۸ /
مقاله بررسی تحلیلی مسکن روستایی در ایران	محسن سرتیپی پور / ۱۳۸۸ /
مقاله ارزیابی رویکردهای مختلف پرامون شکل‌گیری مسکن روستایی	۱۳۸۸ / امیر پژوهی خسروونیا
مقاله پدیدارشناختی مسکن روستایی	محسن سرتیپی پور / ۱۳۹۰ /
مقاله رازهای معماری روستایی	۱۳۹۰ / غلامرضا اکرمی
مقاله شاخصهای همسازی با اقلیم در مسکن روستایی استان گیلان	منصوره طاهباز و دیگران/ ۱۳۹۰ /
مقاله رویکرد محلی گردی در معماری روستاهای ایران	محسن سرتیپی پور / ۱۳۹۱ /
مقاله اثرباری الگوی مسکن روستایی از تغییرات فرهنگی و اجتماعی روستایان: شهرستان نکا	عناسیانی و دیگران/ ۱۳۹۵ /
مقاله تحلیل فضایی و سنجش کمی شاخص‌های مسکن روستایی ایران	سعید ملکی و دیگران/ ۱۳۹۵ /
مقاله ارائه طرح پایه گوارانده زیست‌تدوه روستایی برای تأمین انرژی با مقیاس محلی (روستای طینچ قم)	یوسف گرجی و مهلهانی/ ۱۳۹۵ /
مقاله طراحی و شکل‌گیری خانه روستایی به روایت معماران قدری، مطالعه موردنی: روستاهای گرمسار	اکبر زرگر و دیگران/ ۱۳۹۶ /

ج ۱. بررسی پیشینه پژوهش و مطالعات انجام شده در حوزه بررسی مسکن روستایی در مقالات و متون. گردآوری و تحلیل: نگارندگان. منابع: (Goran et.al, 2013), (Gkartzios et.al, 2009), (Udoh, 2016), (Mozaffar et.al, 2016), (Chisholm, 1962), (Ogu, 1994) (شمس‌الدینی، ۱۳۸۷) (توکلی و دیگران, ۱۳۸۸) (اکرمی، ۱۳۹۰) (ملکی و دیگران, ۱۳۹۵) (خسروونیا, ۱۳۸۸)، (طاهباز و دیگران, ۱۳۹۰)، (زرگر و دیگران, ۱۳۹۶)، (عناسیانی و دیگران, ۱۳۹۵)، (سرتیپی پور, ۱۳۹۱، ۱۳۸۴، ۱۳۸۸، ۱۳۹۰).

نتایج آن به همه روستاهای و معماران بومی نیست و پس از انجام تحقیقات مشابه در نقاط دیگر می‌توان به حدود تعیین‌پذیری نتیجه آگاهی یافت.



ن ۱. روش‌شناسی پژوهش مقاله «جایگاه اصول راهنمای در فهم معمار بومی از مسئله طراحی». ترسیم و تحلیل: نگارندگان.

مرور ادبیات و چارچوب نظری پژوهش جهت تدقیق موضوع و نتیجه بهتر در مطالعات پیشینه و سوابق این پژوهش، منابع و پیشینه‌های پژوهش براساس حوزه‌های مورد بررسی به دو حوزه طراحی پژوهی و مسکن روستایی تقسیم شده است.

مرور ادبیات حوزه مسکن روستایی

پیشینه‌های پژوهش‌های فارسی و لاتین مهم در حوزه خانه و مسکن روستایی مورد بررسی قرار گرفت و خلاصه‌ای از آن در جدول شماره ۱ آورده شده است. مشاهده می‌شود که مقوله فهم معمار بومی و مسئله طراحی، تنها در مقاله «طراحی و شکل‌گیری خانه روستایی به روایت معماران قدیمی» به نویسنده‌گی زرگر، سرتیپی پور، میری و شیخ‌طاهری (که به ثبت و تحلیل روش‌های رایج در معماری منطقه گرمسار و

مرور ادبیات حوزه طراحی پژوهی

طراحی پژوهی عمر درازی ندارد و از اواخر دهه ۱۹۵۰ و اوایل دهه ۱۹۶۰ بود که به شکلی نظاممند مطرح و پیگیری شد. در میان جریان‌های طراحی پژوهی سه نسل مشخص را به رسمیت شناخته‌اند. از

تأکید	منبع تحقیق	محقق/سال
تحلیل چگونگی آموزش طراحی در کارگاه	مقاله «معماری و آموزش برتر» ²⁵	دونالد شون/ 1985
حالات‌های هنجاری در طراحی	کتاب «تفکر طراحی» ²⁶	پیتر جی راو/ 1987
روش طراحی بهمثابه روش مجادله‌ای	کتاب «تحقیق از طراحان صاحب سبک» ²⁷	وی. جی. ریتل/ 1993
آموزش طراحی و تجربیات معنادار و قبل انتقال به زندگی روزمره	کتاب «تفکر جدید برای هزاره جدید» ²⁸	دی بونو/ ³⁰ 2000
مسئله‌های طراحی، تفکر و اندیشیدن در طراحی	کتاب «طرahan چگونه می‌اندیشند» ³³	برایان لاوسون/ ³² 2000
روش طراحی بهمثابه یک روش بحث و مناظره‌ای	پژوهش «فرایند تفکر طراحی» ³⁴	إلن دو/ ³⁴ 2002
اهمیت استعاره در طراحی و رابطه آن با قیاس	تر قاب‌بندی مؤثر در طراحی ³⁶ و مقاله قیاس‌ها و استعاره‌ها در طراحی خلاقی ³⁷	جاناتان هی ³⁵ و دیگران/ 2008-2002
رابطه بین استعاره و قیاس در فرایند طراحی		
به کارگیری راهی متفاوت برای مسائل مشابه و تمرکز تفکر طراحی روی ایده‌ها	کتاب «طراحی در ذهن» ³⁸	برایان لاوسون/ 2004
تحقیق در تفکر طراحی	کتاب «شیوه طراحانه دانستن» ⁴⁰	نایجل کراس ³⁹ 2006
رابطه استعاره و خلاقیت	مقاله‌های استعاره در حل مسئله طراحی؛ لازمه خلاقیت ⁴² و استعاره‌ها در استودیوهای طراحی؛ مفاهیم آموزش ⁴³	کازاکین ⁴¹ 2007-2004
نقش استعاره در طراحی مفهومی	مقاله استعاره در طراحی مفهومی ⁴⁵	هی و آکو گینو ⁴⁴ 2007
روش طراحی بهمثابه یک روش تفسیری	مقاله استعاره در طراحی مفهومی ⁴⁷ و مقاله قیاس و استعاره‌ها در طراحی خلاقی ⁴⁸	سوارز و پمبو ⁴⁶ 2010
تحقیق در تفکر طراحی	کتاب «شیوه طراحانه دانستن» ⁴⁹	نایجل کراس/ 2017
فرایند طراحی	مقاله جستاری در فرایند طراحی	حمید ندیمی/ ¹³⁷⁸
معرفی الگوی تفکر در آموزش طراحی	مقاله تفکر در طراحی	امیر سعید محمدی/ ¹³⁸³
آموزش خلاصه در طراحی معماری	مقاله آفرینش گری و روند آموزش خلاصه در طراحی	جواد مهدوی نژاد/ ¹³⁸⁴
آینده آموزش معماری	مقاله‌های تفکر طراحی و الگوهای فرایندی	گرجی مهلبانی/ ¹³⁸⁹
مسئله طراحی	مقالات‌های منابع ایده پردازی معماری، جستاری در فرایند ایده‌پردازی	فرهاد شریعت راد و حمید ندیمی/ ¹³⁹⁵ و ۱۳۹۱
قابل‌بندی مسئله طراحی	چند معمار و قابل‌بندی مسئله: راه طراحانه رویارویی با مسئله طراحی	

ج ۲. سوابق مطالعاتی حوزه طراحی پژوهی از سال ۱۹۸۵ تا ۲۰۱۷. گردآوری و تحلیل: نگارندگان، منابع: (گرجی مهلبانی، ۱۳۸۹)، (محمدی، ۱۳۸۳)، (مهدوی نژاد، ۱۳۸۴)، (ندیمی، ۱۳۷۸)، (شریعت راد و ندیمی، ۱۳۹۱ و ۱۳۹۵)، (Hey et.al, 2002, 2008), (Casakin,2004, 2007), (Cross, 2006, 2017), (Do, 2002), (De Bono,2000), (Ritel,1993), (Rowe,1987), (Rayan,1995) (Lawson, 2000, 2004), (Hey, 2002),(Soares, Pombo,2010a,b).

به جای تصمیمات فرد- مبنای است. در حالی که نسل اول و سوم را براساس رویکردن اشان به مسئله طراحی و شیوه برخورد با آن می‌شناسیم. نسل اول عینیت باور و ملتزم به مؤلفه‌های عینی بیرونی بود ولی نسل سوم بر ساختارهای ذهنی طراح تکیه داشت (ندیمی، ۱۳۷۸: ۹۶). این نسل که

نسل اول روش‌های تحلیل - ترکیب، نسل دوم روش‌های مشارکتی و همچنین نسل سوم روش‌های طرح مایه- آزمون نامیده شده‌اند. نسل دوم تا حدودی متمایز از دو جریان دیگر است و رویکرد اصلی آن معطوف به ماهیت جمعی تصمیم‌گیری در روند طراحی

1378: 96-44). در جدول شماره ۳ مدل‌های فرایند طراحی براساس نگاه نسل اول تا سوم مشاهده می‌شود.

فرایند و مسئله طراحی^{۵۱}

فرایند طراحی با طرح یک مسئله آغاز می‌شود (Chand, Runco, 1992: 155-162)؛ طراحان مسئله را با خروجی طراحی شده از طریق فرایند طراحی حل می‌کنند (Aspelund, 2006). این فرایند از مواجهه طراح با مسئله آغاز و تا رسیدن به محصول طراحی ادامه می‌یابد. مارکوس و می‌ور^{۵۲} این فرایند را دارای چهار مرحله می‌دانند که در برخی اوقات تا حصول نتیجه، چندین بار تکرار می‌گردد و در هر مرحله امکان بازگشت به مرحله قبلی وجود دارد: تحلیل، ترکیب، ارزیابی و تصمیم‌گیری. تحلیل عبارت است از نظم دادن و ساختار بخشیدن به مسئله و ترکیب، تلاش برای حرکت به جلو و خلق پاسخ برای مسئله است. مرحله ارزیابی، متضمن سنجش منتقدانه راه حل‌های پیشنهادی در برابر اهداف شناسایی شده مرحله تحلیل است (لاوسون، 1387، 42). یک طراح باید در ابتدا به تحلیل مسئله طراحی پرداخته و سپس به ارائه یک راه حل مبادرت ورزد. طراح به نوعی علاقه‌مند به دخیل کردن خویشتن خود در این فرایند است که این اتفاق از لحظات آغازین تفسیر صورت مسئله توسط طراح کلید می‌خورد. از نظر دانش آموخته‌های امروز معماری، اساس کار و سرآغاز معماری، با طرح و نقشه‌های مربوط به آن شکل می‌گیرد اما در فرایند معماری بومی، طراحی پیوندی نزدیک با ساخت دارد. امروزه تقسیم‌کار بین آن‌ها که طراحی می‌کنند و آن‌ها که می‌سازند، اساس جامعه فن مدار ما شده است. همچنین جدا افتادگی روزافزون طراحان از کسانی که برای آن‌ها طراحی می‌کنند نیاز به تفحص در خواسته‌های استفاده کننده را پدید آورده است (لاوسون، 1378: 25).

تحت تأثیر خردباری مدرن قرار دارد، به شیوه‌های عقلی برای شناخت مسئله و ارائه راه حل قائل است. حذف کامل پیش‌زمینه‌های ذهنی طراح و یا تخفیف آن‌ها به حداقل ممکن، آرمان این جریان به شمار می‌رود زیرا فارغ از این پیش‌داوری هاست که شناخت علمی از مسئله محقق می‌شود. برووس آرچر⁵⁰ که از طراحان همین نسل به شمار می‌رود این سه مرحله را چنین توضیح می‌دهد: «مرحله اول شامل مشاهده و منطق استقرایی است. مرحله دوم شامل گزینش و تفکر خلاقانه است و مرحله سوم تشریح، ترجمه و انتقال طراحی به کسانی است که از آن استفاده می‌کنند» (نگ، 1394: 46) اما در مقابل، نسل سومی‌ها نقشی چنین منفعل را برای طراح واقع گرایانه نمی‌پندازند و از طرح‌واره‌های ذهنی سخن به میان می‌آورند که انسان به‌واسطه آن‌ها جهان را برای خود ساختار می‌بخشد. در این نگرش، اینکه طراح برای سپس ادامه دهد امری نه مذموم بلکه گریزناپذیر قلمداد می‌شود. به طور معمول این ساختار بخشیدن به‌واسطه طرح مایه و راه حل کلی امکان‌پذیر می‌شود. از همین رو به طور خلاصه باید گفت که از دهه شصت میلادی تاکنون طرح مایه یا کانسپت نقش تعیین‌کننده‌ای در مطالعات طراحی پژوهی ایفا نموده است و باور عمومی بر این است که «طراحی به عنوان عملی خلاق، از فکر اولیه یا به عبارت دقیق‌تر از طرح مایه آغاز می‌گردد نه از مطالعات و تحقیقات تحلیلی و جزئی نگرانه». «طرح مایه ایده‌ای است که عناصر مختلف را در یک کل منسجم در کنار هم جمع می‌کند». یک مشی کلی از جنس راه حل که از ذهن طراح بیرون می‌آید و اجزای مسئله را دور خود گرد می‌آورد. طرح مایه همان کاری را انجام می‌دهد که در بیان هیلی‌یر و همکارانش انتظام دادن به مسئله طراحی و به عنوان پیش‌نیاز حل مسئله دانسته شد» (نديمي،

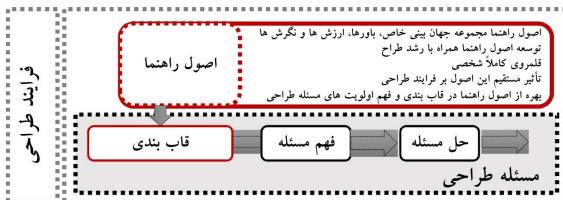
نسل سوم: روش‌های طرح مایه - آزمون اواخر دهه ۱۹۶۰ تا اوائل دهه ۱۹۷۰	نسل دوم: روش‌های مشارکتی اوایل دهه ۱۹۷۰ تا اوایل دهه ۱۹۸۰	نسل اول: روش‌های تحلیل-ترکیب اوخر دهه ۱۹۶۰ تا اوایل دهه ۱۹۷۰	فرایند شهودی غیرقابل توضیح، پیش از پایان جنگ جهانی دوم تا ۱۹۶۰ و اوایل ۱۹۵۰
طراحی به عنوان فرضیه و آزمون بیل هیلی بر و همکاران	طراحی به عنوان فرایند یادگیری	مدل فرایند جدلی هوست رتیل ۱۹۷۲ ولادیمیر باز جانانک	مدل عقلایی روش‌های نظام‌مند طراحی رویکرد مرحله‌ای مدل‌های آرچر ۱۹۶۰، جونز ۱۹۶۰، شش حوزه انجمان معماران آمریکا، استود، رفتار اجتماعی ۱۹۶۰، آلمانی
پیش‌بینی دقیق طراحی معماری، پیکربندی مورده نیاز برنامه طراحی، فرایند ارزیابی و چگونگی اجرای بنا، تکیه بر ساختارهای ذهنی طراح		ذیر سؤال بردن نقش طراح به عنوان تصمیم‌گیرنده اصلی با مشارکت کاربران، طراح یک کارگردان فنی فراهم آورنده اطلاعات تصمیم‌گیری	ذهن طراح جمهه سیاهی برای تبدیل داده‌های کسب شده در فرایندی مرعوز به نتیجه‌ای قابل قبول
غیرخطی اثباتی	گردشی، اثباتی	متوالی اما غیرخطی	خطی متوالی با شخصیت هنجاری و ارزشی
حدس - تحلیل (پیش‌بینی و ارزشیابی)	فرضیه‌سازی و جستجوی راه حل	دو نوع فعالیت: ایجاد تنوع و تقلیل تنوع	تجزیه، تحلیل، ترکیب و ارزیابی، تأکید بر ارزیابی از هر مرحله از فرایند خطی، تعريف نظام رفشاری، تعیین نظام کالبدی، درک و تحلیل نظام محیط-رفتار
استقرایی	طرح و تجربیات گذشته	جامعه شرکت یافته در جدل	فرایند طراحی متأثر از زمینه و قوی آن و نگرش به جهان هستی و نظریه محتوایی طرح
مسئله تحلیل ترکیب راه حل ارزیابی		مشترکتی تحلیل ترکیب ارزیابی	
استقرایی	ادرارکی و کیفی	یکنواخت و خطی	متکی بر تصمیم‌گیری فردی

ج ۳. مدل‌های فرایند طراحی براساس نگاه نسل اول و سوم، منبع: (لاوسون، ۲۰۰۰) (Lawson, 2000).

را ترجیح داده و آن را به عنوان قید محوری مسئله برگزیند که بر مبنای همین رجحان است که مولد اولیه طرح شکل می‌گیرد. به این ترتیب با معطوف شدن توجه بر محدودی از قیود در ابتدا و حرکت سریع به سمت ایده‌هایی از راه حل، دامنه راههای ممکن محدود

اصول راهنمایی^{۵۳} و تبیین جایگاه آن در فرایند طراحی معمولاً مسئله‌های طراحی بسیار گستردگی هستند و دامنه وسیعی از موضوعات و قیود مختلف را شامل می‌شوند و لاجرم هر طراح برای شروع یک حرکت جدی در راستای رسیدن به یک راه حل بایستی یکی از این قیود

تعریف کریس جونز از طراحی قابل فهم باشد: اجرای معقدانه عملی بسیار پیچیده (Jones, 1966). طراح به عنوان یک مفسر، مسیر طراحی را می‌سنجد تا به مناسب‌ترین واکنش در آن لحظه خاص دست یابد و تفسیر را به عنوان فرایندی در نظر می‌گیرد که به طور مداوم عواملی را ارزیابی و پیش ارزیابی می‌کند (Soares, Pombo, 2010). از طرفی قاب‌ها انگاره‌های تفسیری هستند که طراحان با آن‌ها به موقعیت طراحی ساختار و معنی می‌بخشند و قابل فهم می‌کنند. همچنین به طور مداوم، از طریق این قاب‌های تفسیرکننده، جهان پیرامون خود را درک می‌کنند و از این‌رو علاقه‌مندند تا این قاب‌ها را برای خود ثابت کنند (شروع‌تراد، ندیمی، ۱۳۹۵: ۱۹). اصول راهنمای اشاره به اصولی است که طراح به آن‌ها باور دارد و از آن‌ها در قاب‌بندی و فهم اولویت‌های مسئله طراحی بهره می‌گیرد و منجر به شکل‌گیری فهم مؤثر مسئله و در نهایت حل مسئله خواهد شد. این اصول که متکی به جهان‌بینی طراح شکل می‌گیرند، موجب نوعی وحدت رویه در قبال برخورد با مسئله‌های گوناگون طراحی می‌شوند (نمودار شماره ۲).



ن ۲. تبیین جایگاه اصول راهنمای در فرایند طراحی و بهره‌گیری از آن در قاب‌بندی مسئله طراحی. ترسیم و تحلیل: نگارندگان.

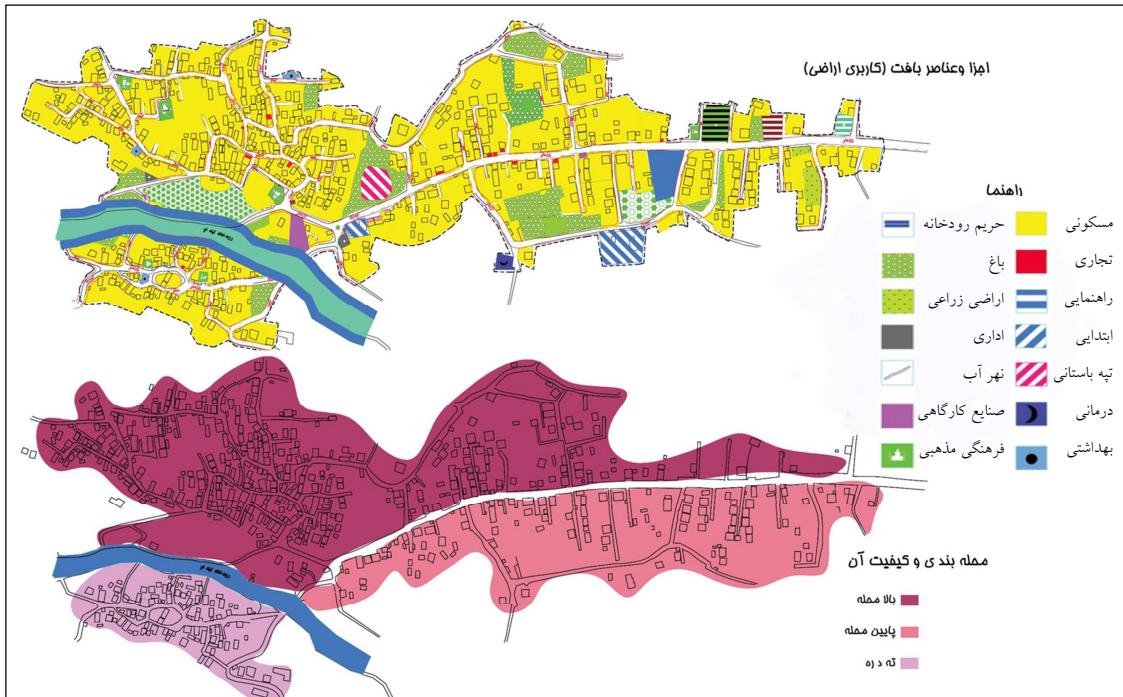
روستای سراج محله

روستای سراج محله واقع در دهستان کلبداد شهرستان گلوگاه، در ۵ کیلومتری این شهر و در ۲۰ کیلومتری شهرستان بهشهر واقع شده است. وجود عوامل طبیعی

می‌شود اما چه چیز یک قید را محوری می‌نماید؟ می‌دانیم که طراحان مختلف بر سر این موضوع هم‌نظر نبوده و اختلاف نظرهای جدی دارند (Darke, 1978, 325-337). برای پاسخ به این سؤال باید بدانیم که هر مسئله طراحی از یک لوح سفید یا ذهن تهی شروع نمی‌شود. هر طراح به نوعی واجد یک جهان‌بینی خاص است و مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها و نگرش‌ها را با خود حمل می‌کند که به آن «اصول راهنمای» می‌گوییم. این ایده‌ها چه مجموعه‌ای از افکار پراکنده و چه فلسفه و نظریه کامل طراحی را تشکیل دهند، می‌توانند مجموعه اصول راهنمای تلقی شوند. این مجموعه اصول همراه با رشد طراح تغییر و توسعه می‌یابد و بعضی اوقات ممکن است با قدرت چشمگیری حراست شود و به صورت قلمروی کاملاً شخصی درآید. تأثیر این اصول بر فرایند طراحی بسیار قابل توجه است. اهمیت اصول راهنمای را از راههای گوناگون می‌توان بررسی کرد. برخی طراحان قادرند که این اصول را بسیار روشن، بیان و آن‌ها را با اعتقادی راسخ حفظ کنند درحالی که دیگران کمتر از درستی آن اطمینان دارند و برخی طراحان به نظر می‌رسد، می‌گذارند اصول راهنمای آن‌ها بر فرایند حاکم شود درحالی که برای بقیه این اصول در پس زمینه قرار دارد. بالاخره می‌توان محتوای آن ایده‌ها را سنجید و دید چه ارتباطی بین آن‌ها و الگوی مسئله طراحی وجود دارد که تاکنون ترسیم شده است. محتوای اصول راهنمای طراحان نیز به همان میزانی که خود آن‌ها باهم متفاوت‌اند تنوع دارد (لاوسون، ۱۳۸۴: ۱۸۹-۱۹۱). طراح براساس همین اصول، مسئله را تحلیل و تفسیر می‌نماید و سپس با انتخاب یک قید محوری به ارائه یک مولد اولیه مبادرت می‌ورزد که پایین‌دی به این اصول در طول طراحی رنگ و بویی اخلاقی به کار می‌بخشد. شاید اکنون این

چون نهر آب و رودخانه و خاک مناسب و پهناور باعث شده تا اهالی روستاهای اطراف به خاطر آب و هوای خوب در آنجا سکنا گزیده و هسته اولیه روستا را تشکیل دهنده و از آنجا که در ابتدای این روستا، چراغی برای شناسایی روشن بوده و چراغ در عربی به معنای سراج است، بدین علت آنرا سراج محله نامیدند.

برداشت چند نمونه از خانه‌های روستای سراج محله با طراحی و اجرای معمار بومی در تصویر شماره ۱، نقشه کاربری اراضی و محله بندي روستای سراج دیده می‌شود. جهت تدقیق موضوع، سه نمونه از مسکن‌های بالا محله و پایین محله برداشت و ترسیم شد و در جدول ۴ قابل مشاهده است.



ت ۱. نقشه اجزا و عناصر بافت (کاربری اراضی) و محله بندي و کیفیت آن، سال ۱۳۹۰. ترسیم و تحلیل: نگارندگان.

انتزاعی سازی شده و در قالب مفاهیم درآمده است. سپس در گام بعدی، با تجمعی مفاهیم مشابه در قالب مقوله‌های کلی تر که «کدگذاری محوری» نامیده می‌شود، انتزاعی سازی دوم صورت گرفته است. در نهایت چهار مقوله به عنوان محتوای کلی سخن استخراج شده است که به همراه نمونه‌هایی از مراحل کدگذاری آمده است (جدول شماره ۵).

تحلیل محتوا

بعد از مصاحبه با معماران بومی، گفته‌ها به صورت متن استخراج شد. برخی واژه‌های بومی و یا لهجه مشارکت‌کنندگان از محدودیت‌های این پژوهش بود که موجب شد در برخی موارد با تماس دوباره با مشارکت‌کننده از منظور وی اطمینان حاصل شود. داده‌های به دست آمده متنی در مرحله بعد، یک مرحله



ج. ۴. برداشت و ترسیم ۳ نمونه مسکن روستایی سراج محله در بالا محله و پایین محله براساس تپولوژی غالب. ترسیم و تحلیل: نگارندگان.



ادامه ج 4. برداشت و ترسیم 3 نمونه مسکن رستایی سراج محله در بالا محله و پایین محله براساس تپولوژی غالب. ترسیم و تحلیل: نگارندگان.

کد گذاری		متن مصاحبه
باز		
۱- معماری باز جهانی از سقف	بعینه کردن مصالح	معمار باید حواسش پاشه که اتاق و قبی بزرگ می شده دیوارها هم پاهاش بزرگ می شه...هم خشت پیشتر نیاز می شه هم بسی الکی سگین می شه چوبهای سقف
	دلمشغولی برای سوخت	نه... همه اتاقها پنجه نمی خواهند. پنجه کوچک کافی برای خیلی از اتاقها. می دونی چقدر باید اینجا آتش بسوزون تا گرم بشنید زستشو؟
	پرهیز از هزینه غیرضروری	... طبقه پیشتر از دو تا فایده نداره... جویش دیگه با این چوبی راه نمیفته. باید بزمی از بیرون از هدایاتم بول هم بایدیم. ساختمنون
	پرهیز از ترتیبات غیرکاربردی	باید با دو تا طبقه اضافی برای روتاسته با کار نمیباشد. ما ساده کار می کنیم معمولاً و اکثر همین رو می پسندیم
	صرفهایی در استفاده چوب	تقریبات اضافی برای روتاسته که ترازهای اندامه استفاده بشنید. هم مقاوم باشه هم زیادی نیشه
۲- همراهی با طبیعت و اقامت	دوری از ساخت کتاب رودخانه	... بعد از سیلی که تو روتاستا اومد، خونه ها رو دورتر از رودخانه مونه سازیم معمولاً
	استفاده از مصالح بومی	ما پیش از مصالحی که داریم تو روتاستا استفاده من کنیم مثل چوب، خشت، آجر و...
	بررسی اقایی	خونهای الای روتاست رو پشت به باد طراحی می کنم که زمستانا وقتی باد شدید میاد سرد نشه...
	توجه به عوامل طبیعی	... نه ما درخت ها رو تا می تونیم قطع نمی کنیم... اگه درخت باشه تو زمین، نمای خونه و پنجه را رو سمت درخت و طبیعت می ذاریم
	توجه به پارش و نور مطلوب	بله چون بارون داریم سقف خونه ها رو شبیبدار می زنیم، پنجه را رو به نور خوب می ذاریم که خونه روشن باشه و چراغ رو دیرتر روشن نکنن
۳- روزی روی مصلحت کارفرمای	توجه به نظر کارفرمای طراحی	صاحب کار نظرش مهمه، چون خوبه باره توی اون خونه سالها زندگی کنه... مثلاً میگه چند تا اتاق با چه اندامای می خواهد داشته باشه
	توجه به نظر کارفرمای در انتخاب مصالح	مصالح گرون را اگر صاحب خونه خودوش بخاد براش توی خونش طراحی می کنم، خودم نمی ذارم قبل نظر اون
	توجه به تعداد نفارات برای طراحی	مهمه که چند نفر بخوان اینجا زندگی کنن. تو اندامه اتاقها، تعدادش و ... تأثیر می داره. بعضی ها هم مهمنون زیاد دارن با یه چنانهای از خواج کردن و زاید میان خونشون واقعی بیشتر می خوان
	توجه به اقتصاد و رضایت کارفرمای	این که خونه اتاق بشتر باشه که فدا پسرش دوامد شد تو شوخ زندگی کنه، مهم تر از اینه که ایوون رو بزرگ تر بگیرم که
	توجه به توسعه بناء در کار توسعه نیازهای کارفرمای	خونه باید جویی باشه که بعما بشه اتاق اضافه کرد که صاحبین در نمونه
۴- همایشگاهی	رعيات حریم همسایگی	ما خونهها رو خلی نزدیک خونه همسایه نمی سازیم، فاصله باید باشه
	عدم مشرفت به خانه همسایه	... دید به خونه همسایه نمی ذارم تو طرمه، پنجه را رو به سمت حیاط و زمین صاحب خونه در میارم
	توجه به حقوق همسایه	خوبی خوسامون به همسایه کارایی باشه، چه توی طراحی چه ساخت خونه. مثلاً تو ساخت مصالح زیاد ریخت و پاش نشه...
	رضایت همسایه در حین ساخت	همایشگاه باید راضی باشه، سرو صدا موقع ساخت اذیتش نکنه...
	رعيات حریم همسایگی	برای بعضی خونهها که می شه، در ورودی رو با فاصله از همسایه کارایی می ذارم یا تو کوچه بغلی...

ج ۵. نمونه‌ای از اصول راهنمای معمار بومی در فرایند طراحی براساس کدگذاری باز و کدگذاری محوری. تدوین و تحلیل: نگارندگان.

اصول راهنمای نقش محدود کننده قوی در فرایند طراحی معمار بومی دارند، طوری که به واسطه رجوع معمار بومی به این اصول، بسیاری تصمیمات طراحی دیگر امکان طرح شدن نمی‌یابند و موجب می‌شود نقش فردیت طراح در فرایند، کمتر از بایسته‌های برآمده از این اصول باشد.

نکته مهم دیگر در نتایج این پژوهش آن است که شباهت قابل توجهی میان اصول راهنمای هر پنج معمار مشارکت‌کننده در پژوهش وجود داشته است. همان‌طور که در توضیح روش‌شناسی پژوهش آمده است هر پنج معمار مشارکت‌کننده در پژوهش، در تولید محتوای چهار مقوله استخراج شده نهایی سهیم بوده‌اند یعنی اگرچه در کدگذاری باز مفاهیم متنوعی وجود داشت اما به دلیل وحدت مضمونی، در حین کدگذاری محوری در ذیل مقولات مشابه و مشترکی دسته‌بندی شده‌اند. این امر می‌تواند ریشه در بستر فرهنگی همگن و نسبتاً دست نخورده در روستا داشته باشد.

همچنین محتوای این اصول می‌تواند در چند مقوله شناسایی شود: پرهیز از اسراف، هماهنگی با طبیعت، توجه به مصلحت کارفرما و همچنین رعایت حقوق همسایگی از مهم‌ترین اصولی است که همواره در مواجهه با مسئله طراحی مدنظر معماران بومی قرار می‌گیرد و فرایند را جهت‌دهی و محدود می‌نماید و فهم مؤثری از مسئله طراحی به طراح می‌دهد (جدول شماره 6).

نسبت میان این برخورد با اصول راهنمای در قیاس با معماران غیر بومی موضوعی است که می‌تواند در پژوهش‌های آینده مورد توجه قرار بگیرد و به فهم کامل تری از مختصات طراحی در محیط‌های بومی و محدود باقی مانده بیانجامد. نتایج و تحلیل کلی پژوهش در قالب یک مدل در نمودار شماره 3 آورده شده است.

فرایند طراحی برای طراحان از صفر یا لوح سفید آغاز نمی‌شود. مطالعات طراحی پژوهی نشان داده است طراح همواره برخی دانسته‌ها و موضع را از بیرون به مسئله وارد می‌کند. این وارد شدن لزوماً آشکار نیست و به طور ضمنی در خلال فرایند طراحی رخ می‌دهد. یک مدل پرکاربرد در مطالعات طراحی پژوهان، مدلی است که فرایند طراحی را واجد سه فعالیت، تحلیل، ترکیب و ارزیابی می‌داند و رفت و برگشت میان آن‌ها را نیز لحاظ می‌نماید. اصول راهنمای مدنظر در این پژوهش در زمرة تحلیل مسئله قرار می‌گیرد. در حقیقت در مرحله تحلیل، طراح با تفسیر خود از مسئله به مسئله‌ای بی‌شک، سروشکل می‌دهد و به آن چارچوب می‌بخشد. به فرایند چارچوب دادن به فهم مسئله «قابل‌بندی» گفته می‌شود. از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی که تفسیر مسئله و قابل‌بندی را هدایت نموده و صورت‌بندی می‌کند، «اصول راهنمای طراح» است. از آنجا که اصول راهنمای طراحی برآمده از جهان‌بینی طراح در عام ترین سطح است، بررسی اصول راهنمای معمار بومی امکان خوانش ابعاد تازه‌ای از مواجهه معماری‌ومی با طراحی را میسر می‌سازد.

این پژوهش به دنبال آن بود تا محتوای اصول راهنمای معمارانی را مشخص نماید که بدون تحصیلات دانشگاهی در روستای سراج محله با مصالح و نیروی کار بومی به فرایند ساخت اثر مشغول هستند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که:

معماران بومی نیز از اصول راهنمای در قابل‌بندی و فهم اولویت‌های مسئله طراحی بهره می‌گیرند. این اصول که متکی بر جهان‌بینی طراح شکل می‌گیرند، موجب نوعی وحدت رویه در برخورد با مسئله‌های طراحی می‌شوند.

8. Donald Schon 9. Framing

۱۰. قاب مؤثر قابی است که طراح با تفسیری که از مسئله ارائه می دهد و فرایند طراحی را از فضای فهم مسئله به فضای حل مسئله پرتاب می کند و می توانیم آنرا نوعی "فهم مؤثر" مسئله بنامیم (Schon:1985).

- 11. Open Coding
- 12. Axial Coding
- 13. Credibility
- 14. Generalizability
- 15. Chisholm
- 16. rural Settlements and Land Use
- 17. Ogu
- 18. Architecture & the higher learning
- 19. Gkartzios

20. Planning for Rural Housing in the Republic of Ireland: From National Spatial Strategies to Development Plans

21. Characteristics of housing in rural villages

22. Concepts in Architectural Patterns of Rural Housing

23. Udoth Usen

24. Rural housing quality in Nigeria: A case study from Imo State

25. Architecture & the higher learning

26. Peter G. Rowe

27. Design Thinking

28. W.J.Rittle

29. The researching of designers host

30. De Bono

31. New Thinking For The New Millennium

32. Bryan Lawson

33. How designers tink

34. Ellen Do

35. Hey, Jonathan H. G

36 Effective Framing in design

37. Analogies and Metaphors in Creative Design

38. Design in mind

39. Nigel cross

40. Designerly Ways of Knowing

41. Casakin, Hernan Pablo

42. Metaphors in Design Problem Solving: Implications for Creativity

43. Metaphors in the design studio: Implications for education

44. Agogino Alice

45. Metaphors in Conceptual Design

46. Soares, Liliana, Pombo, Fatima

47. Metaphors in Conceptual Design

48. Analogies and Metaphors in Creative Design

49. Designerly Ways of Knowing

50. Bruce Archer

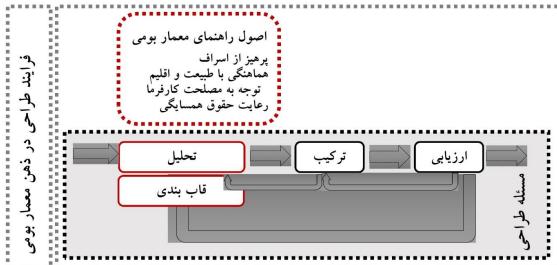
51. Design Process

52. Markus& Maver

53. Guidling principle

تحلیل	نتایج
بررسی اصول راهنمای معمار بومی، امکان خوانش ابعاد تازه ای از مواجهه معمار بومی با طراحی را روشن می سازد و موجب وحدت رویه در برخورد با مسئله های طراحی می شود.	بهره گیری معماران بومی نیز از اصول راهنمای مسئله طراحی اولویت های مسئله طراحی نقش محدود کننده قوی راهنمای در فرایند طراحی معمار بومی
نقش فردیت طراح در فرایند کمتر از باپستانه های برآمده از این اصول باشد.	وجود شباهت قابل توجه میان راهنمای هر پنج معمار مشارکت کننده در پژوهش
ریشه در بستر فرهنگی همگن و نسبتاً دست نخورده در روستا دارد.	در مواجهه با مسئله طراحی مدنظر معماران بومی قرار می گیرد، فرایند را جهت دهنی و محدود می نماید، فهم مؤثری از مسئله طراحی به طراح می دهد.
تحلیل ترکیب ارزیابی قاب بندی	محتویات اصول راهنمای پرهیز از اسراف، هماهنگی با طبیعت، توجه به مصلحت کارفرما و همچنین رعایت حقوق همسایگی

ج ۶. نتیجه تبیین جایگاه اصول راهنمای در فهم معمار بومی از مسئله طراحی معماری در روستای سراج محله.
تدوین: نگارندگان.



ن ۳. ارائه مدلی جهت تبیین جایگاه اصول راهنمای در فرایند طراحی در ذهن معمار بومی. ترسیم و تحلیل:
نگارندگان.

پی‌نوشت

1. Close-ended problem
2. Well defined
3. Open-ended problem
4. Ill-defined problem
5. Wicked problem
6. What is Problem

۷. این همان دلیلی است که برای مسائل واحد با پاسخ های متنبوع از سوی طراحان مواجه می شویم و تنوع راه حل ها برای یک مسئله واحد ریشه در تنوع تعاریف از آن مسئله دارد.

فهرست منابع

- شمس الدینی، علی. (1378)، جایگاه مسکن روستایی در تأثیرپذیری تغییرات کالبدی - فضایی روستاهای از محیط‌های شهر. فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره 124، صص 40-51.
- طاهباز، منصوره؛ جلیلیان، شهربانو. (1390)، شاخصه‌های همسازی با اقلیم در مسکن روستایی استان گیلان. مسکن و محیط روستا، شماره 135، صص 23-42.
- عنابستانی، علی‌اکبر، انزایی، الهه، بهزادی، صدیقه (1395)، اثرپذیری الگوی مسکن روستایی از تغییرات فرهنگی و اجتماعی روستاییان مورد: شهرستان نکا، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، دوره 5، شماره 16، صص 42-21.
- گرجی مهلبانی، یوسف. (1386)، تفکر طراحی و الگوهای فرایندی. نشریه علمی پژوهشی صفحه، سال شانزدهم، شماره 45، پاییز و زمستان، صص 124-106.
- گرجی مهلبانی، یوسف؛ سرتیپی‌پور، محسن؛ تاری، مهتا. (1395)، ارائه طرح پایه گوارنده زیست توده روستایی برای تأمین انرژی با مقیاس محلی (نمونه موردنی: روستای طینوج قم). مسکن و محیط روستا، شماره 165، زمستان.
- گروت، لیندا؛ وانگ، دیوید. (1388)، روش‌های تحقیق در معماری. ترجمه علیرضا عینی‌فر، چاپ سوم، نشر دانشگاه تهران.
- لنگ، جان. (1394)، آفریشن نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط. ترجمه علیرضا عینی‌فر، نشر دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ.
- محمدپور، احمد. (1389)، ضد روش، منطق و طرح در روش شناسی کیفی (جلد 1)، نشر جامعه‌شناسان، تهران.
- محمودی، امیر سعید. (1383)، تفکر در طراحی، معرفی الگوی تفکر تعاملی در آموزش طراحی. نشریه هنرهای زیبا.
- ملکی، سعید، حسینی کهنونج، سیدرضا، ویسی، الهام، رحمانی لیر، پیروز. (1395)، تحلیل فضایی و سنجش کمی شاخص‌های مسکن روستایی ایران، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، دوره 5، شماره 15، بهار، صص 21-14.
- مهدوی‌نژاد، محمدجواد. (1384)، آفرینش‌گری و روند خلاقانه در طراحی معماری. مجله هنرهای زیبا، شماره 21.
- ندیمی، حمید. (1378)، جستاری در فرایند طراحی. مجله صفحه، شماره 29.
- اکرمی، غلامرضا. (1390)، رازهای معماری روستایی. فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره 131، صص 48-25.
- توکلی، مرتضی؛ فاضل نیا، غریب؛ گلدی شرافت سید امان. (1388)، بررسی تحول معماری مسکن روستایی و تدوین الگوی بهینه مطالعه مورد: شهرستان آق‌قلای. فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره 127، صص 32-14.
- خسرو نیا، مرتضی. (1388)، ارزیابی رویکردهای مختلف پیرامون شکل‌گیری مسکن روستایی. فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره 127، صص 43-32.
- زرگر، اکبر، سرتیپی‌پور، محسن، میری، سیدحسن، شیخ طاهری، حامد. (1396)، مقاله طراحی و شکل‌گیری خانه روستایی به روایت معماران قدیمی، مطالعه موردنی: روستاهای شهرستان گرمسار. فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره 158، تابستان، صص 20-3.
- دلاور، علی. (1374)، مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی، تهران: انتشارات رشد.
- سرتیپی‌پور، محسن. (1384)، شاخص‌های معماری مسکن روستایی در ایران، نشریه هنرهای زیبا، شماره 22، تابستان، صص 52-43.
- سرتیپی‌پور محسن. (1388)، بررسی تحلیلی مسکن روستایی در ایران، مجله صفحه، دوره 19، شماره 12، صص 60-47.
- سرتیپی‌پور، محسن. (1390)، پدیدارشناسی مسکن روستایی. فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره 133، بهار، صص 14-3.
- سرتیپی‌پور، محسن (1391)، رویکرد محلی گرایی در معماری روستاهای ایران، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، دوره 1، شماره 2.
- شریعت راد، فرهاد، ندیمی، حمید. (1391)، منابع ایده پردازی معماری، جستاری در فرایند ایده‌پردازی چند معمار از جامعه حرفه‌ای کشور، نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی، شماره 2، تابستان، صص 14-5.
- شریعت راد، فرهاد؛ ندیمی، حمید. (1395)، قاب‌بندی مسئله: راه طراحانه رویارویی با مسئله طراحی. صفحه، شماره 3، پاییز، صص 24-5.

- لاوسون، برایان. (1387)، طراحان چگونه می‌اندیشنند: ابهام‌زدایی از فرایند طراحی. ترجمه حمید ندیمی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، مرکز چاپ و انتشارات.
- Lawson, Bryan. (2000). How designers think, the design process demystified, Architectural Pres, Kent UK.
 - Lawson, Bryan. (2004). What Designers Know, Architectural Press, An imprint of Elsevier, Linacre House, Jordan Hill, Oxford OX2 8DP, 30 Corporate Drive, Burlington, MA 01803, First published 2004.
 - Mozaffar, Farhang, Abdemojiri, Amin, Sadat Hashemian, Afsaneh (2016), Concepts in Architectural Patterns of Rural Housing (Case Study: the Villages of Rāzavi Khorasan), Journal of Housing and Rural Environment, Volume 35, Issue 154, pp.59-74.
 - Ogu, Vincent Ifeanyi(1994), Rural housing quality in Nigeria: A case study from Imo State, Habitat International, Volume 18, Issue 3, Pages 53-65.
 - Ritel, W.J. (1993). The researching of designers host, university of California, Berkley, Universities Stuttgart.
 - Rowe, Peter G. (1987). Design thinking, MIT press, ISBN 0262181223 (Modified by Robert Satunders).
 - Rayan, v. (1995). Implicit theories of intelligence creative of personality and social psychology. vol(49)n(3).
 - Schon, Donald. (1985). Architecture & the higher learning, the great education debate, te design studio.
 - Soares, Liliana. Pombo, Fatima. (2010a). Interpretation as a Design Method. (co-autor Fátima Pombo).In David Durling, Rabah Bousbaci, Lin-Lin Chen, Philippe Gauthier, Tilo Poldma, Seymour Roworth-Stokes, Erik Stolterman (Editors) Design & Complexity: Conference Proceedings, Design Research Society (DRS) Intern. Conference. Université de Montreal, 7-9 July, Montreal.
 - Soares, Liliana. Pombo, F. (2010b). The Interpretation as a Method in Design or the Designer as an Interpreter, 1st International Congress of Design and Innovation of Catalonia, Barcelona.
 - Udo, Usen (2016), Housing Conditions In Rural Nigeria: Empirical Evidence From Oil-Rich Akwa Ibom State, Iranian Journal Of Health, Safety And Environment, Vol 3, No 3.
 - Strauss, A. & Corbin, J.(1990), Basics of qualitative research: grounded theoryprocedures and techniques. Newbury Park, CA: Sage.
 - Strauss, A., & Corbin, J. (1994), Grounded theory methodology: an overview. In N. Denzinin, & Y. Lincoln (eds), Handbook of Qualitative Research. Thousand oaks, CA: Sage.
 - <https://doi.org/10.22034/38.165.49>
 - Aspelund K. (2006). The design process, New York, NY. Fairchild.
 - Casakin, H. (2004). Metaphors in the design studio: Implications for education. In Proceedings of the changing face of design education: 2nd international engineering and product design education conference, pp. 265–273, Delft.
 - Casakin, Hernan Pablo (2007). Metaphors in Design Problem Solving: Implications for Creativity, The College of Judea & Samaria, Ariel, Vol 1, No 2, Israel.
 - Chand 1, Runco M. Problem finding skills as components in the creative process, Personality and Individual Differences, 1992, Vol. 14, pp. 155-162.
 - Chisholm, M. rural Settlements and Land Use, London, 1962.
 - Cross, Nigel (2006). Designerly Ways of Knowing, British Library Cataloguing in Publication Data, Springer-Verlag London Limited 2006.
 - Darke, J. (1978). The primary generator and the design process, new directions in environmental design research: preceding of EDRA9, Washington, EDRA, pp. 325-337.
 - Herbert A, Simon. (1973). The structure of ill structured problems, Elsevier, Volume 4, Issues 3–4, Winter, pp181-201.
 - Do, Ellen. (2002). The Design Thinking Process-Design Theory course, Sébastien BUND.
 - De Bono, Edward. (2000). New thinking for the new millennium, January.
 - Gkartzios, Menelaos, Scott, Mark(2009), Planning for Rural Housing in the Republic of Ireland: From National Spatial Strategies to Development Plans, European Planning Studies journal, Volume 17, Issue 12, pp1751-1780.
 - Goran, Rajovic,Bulatovic, Jelisavka(2013), Characteristics of housing in rural villages: the case northeastern Montenegro, International Letters of Social and Humanistic Sciences, Vol. 6, pp 24-35.
 - Hey, Henry Grenville Jonathan. (2002). Effective Framing in design, a dissertation submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree of doctor of Philosophy in Mechanical Engineering, University of the California, Berkeley.
 - HEY,J, LINSEY,J, AGOGINO. A.M, WOOD. K.L. (2008). Analogies and Metaphors in Creative Design, Int. J. Engng Ed. Vol. 24, No. 2, pp. 283±294, Printed in Great Britain.
 - Jones, J. C. (1966). Design methods reviewed, The design method, London, Butterworths.
 - Lawson, Bryan. (2004). What Designers Know, Architectural Press, An imprint of Elsevier, Linacre